



نشریه خبری

سازمان مجاهدین خلق ایران

شماره ۸

دی ماه ۱۳۵۴

*** توضیحی بر انتشار "مقدمه‌ای بر اعلامیه کمیته" هم آهنگی انقلابی سازمانهای چریکی ***

آمریکای لاتین"، "مدرج در "مجاهد" شماره ۵

مقاله "مقدمه‌ای بر اعلامیه کمیته" هم آهنگی...، در آذرماه ۱۳۵۳، همراه با متن "اعلامیه کمیته" هماهنگی انقلابی و مقدمه‌هایی که روزنامه شرقی الطلیعه (۱۶ مارس ۱۹۷۴) و نشریه "باختر امروز (اردیبهشت ۵۳) بر آن نوشته بودند، در نشریه داخلی سازمان، تحت عنوان "اعلامیه وحدت آمریکای لاتین"، منتشر شد.

در خرداد ماه ۵۴، این "مقدمه" با تغییرات و اضافاتی از مقاله "مقدمه‌ای بر چاپ دوم انقلاب پرولتری و رویزیونیسم خروشیفی" و "جزوه آموزش" (جزوه‌ایست درون تشکیلاتی)، که در مجموع نمیتوانست منعکس کننده نقطه نظرات سازمان باشد، در مجاهد شماره ۵، چاپ و منتشر گشت. انتشار این مقاله با این تغییرات که عمدتاً انعکاس استنباط نادرست ما - گروه مسئول انتشار مجاهد و نشریه خبری - از نقطه نظرات سازمان بود، در اثر بروز اختلافاتی در امر ارتباطات، که شرایط دیکتاتوری پلیسی رژیم شاه جنایتکار بر ما تحمیل میکند، صورت گرفت.

ما ضمن توضیح این اشتباه، شما را به متن اصلی این مقدمه که عیناً در ضمیمه شماره یک "بیانیه" اعلام مواضع ایدئولوژیک سازمان آمده است، ارجاع میدهیم.

گروه مسئول انتشار مجاهد و نشریه خبری سدیماه ۵۴

*** پیوستن فرمانده پادگان ناپور به سازمان مجاهدین خلق ایران ***

طبق اطلاعات رسیده به سرهنگ (سرگرد ۲) علی محبسی، فرمانده پادگان ناپور، با مقادیری سلاح و مهمات به سازمان مجاهدین خلق ایران پیوسته است.

در شماره‌های آینده اطلاعات بیشتری در این مورد باطلاع خواهیم رساند.

*** تهران - درگیری مسلحانه در خیابان شیوا - ۳/۱/۵۴ ***

ساعت ۲ بعد از ظهر روز سوم آذرماه، یکی از رفقای مجاهد در خیابان شیوا (واقع در جنوب شرق تهران) با دو گشتی کمیته مواجه می‌شود. دو اکیپ کمیته در دو مانعین پیروی ۵۰ سفیدرنگ و هراکیت متشک از چهار سرنشین مسلح به اسلحه کسری و ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سلسل، قصد تفتیش و بازرسی رفیق را می نمایند. لیکن قبل از آنکه بتوانند اقدام عملی صورت دهند، مورد تهاجم رفیق قرار میگیرند.

رفیق پس از یک آتشبار سریع و موفق می شود که با استفاده از شناسائی منطقه، خود را سلامت از آنجا خارج کند. پس از این درگیری، نیروهای پلیس و کمیته ناشب، منطقه را شدیداً تحت کنترل گرفته و عناصر مظنون را مورد بازرسی قرار می دادند. این برخورد و فرار موفقیت آمیز رفیق، ضمن آنکه نمایشگر رشد تکنیکی و تاکتیکی چریک شهری است، هراس روزافزون مزدوران جنایت پیشه رژیم از انقلابیون را نیز نشان میدهد.

■ تهران — درگیری مسلحانه در خیابان گرگان — ۲۴/۷/۴۰

روز پنجشنبه ۲۴ مهرماه، فولکس واگنی با چهار سرنشین، در خیابان گرگان (حوالی نظام آباد، چهارراه عظیم پور) مورد تعقیب یک ماشین ساواک قرار می گیرد، و در حوالی منطقه مزبور، یک درگیری مسلحانه میان طرفین روی می دهد که شرح آن طبق اطلاعات رسیده از اینقرار است: ابتدا چریکها (سرنشینان فولکس واگن) ساواکیها را به رگبار سلسل می بندند و دیدمند است که از شانه یک ساواکی خون بیرون می جهد. در این حال دو تن از سرنشینان فولکس پیاده شده و دو تن دیگر با فولکس فرار می کنند.

در ادامه درگیری، رفیق دختری که مشغول جنگ و گریز بوده، یکی از ماموران دشمن را بضرر گلوله مجروح می سازد. اما در این حال گلوله ای به نارنجکش اصابت نموده و آنرا منفجر می کند. رفیق با انفجار نارنجک بشهادت میرسد و جسدش بطوری متلاشی میشود که قابل شناختن نبود است.

ضمناً شایسته است که در این درگیری یک رفیق پسر نیز بشهادت رسیده و چند تن از افرادی که در آن حوالی بوده اند، مجروح شده اند. بدنبال این درگیری، پلیس به کنترل شدیدی در منطقه دست می زند و یکرور بعد از درگیری، منطقه شمال خیابان شاهرضا (حدود خیابان گرگان و سلمان فارسی) را خانه به خانه مورد بازرسی قرار می دهد.

روز شنبه ۲۶ مهر نیز منطقه گرگان را در محدوده میدان ثریا — خواجه نصیر — سلمان فارسی — نظام آباد و بطور کلی حوال چهارراه عظیم پور، از صبح تا ساعت یک بعد از ظهر، خانه به خانه بازرسی کرده اند. در اینروز ماموران ساواک با لباس شخصی، مجهز به بی سیم، بعنوان پلیس به خانه ها مراجعه نموده و یک بازرسی ساده (اسم، شغل، تعداد افراد ساکن در منزل...) بعمل می آورده اند. اما در مورد خانه هایی که ساکنین آن دانشجویان مجرب بوده، یا خانه هایی که بنظرشان مشکوک می رسید، حساسیت زیاد بخرج داده و دقیقاً بازرسی می کرده اند.

■ اصفهان

در اواسط اردیبهشت ماه، معاون ساواک اصفهان بنام نقوی، مورد اصابت گلوله قرار گرفته است. هم چنین شایع است که معاونان شهربانی اصفهان در روز ۱۲ خرداد، با گلوله مجروح شده است.

* دزفول

در اوایل مرداد ماه، همزمان با استقرار اردوی تابستانی دانشجویان در دزفول، رئیس ساواک این شهر در حالیکه مشغول شنا در استخر بوده است، هدف گلوله قرار میگیرد و چهار گلوله بسمت وی شلیک میشود. لیکن گلوله ها اصابت ننموده و ضارب موفق بفرار می شود.

* مشهد

بانک ایران و انگلیس شعبه مشهد، واقع در خیابان تهران- میدان آب، در تاریخ ۲۸ شهریور با مواد آتش زای، به آتش کشیده شده است.

اخباری از زندانها

* تهران

آسیه احمدی - خواهر مجاهد اسیر حمود احمدی - را که نزدیک به یکسال قبل دستگیر شده است به ۳ سال زندان محکوم کرده اند.

شوهر وی غلامرضا جلالی نیز قریب یکسال پیش در خیابان سیروس بتوسط گشتی های کمین دستگیر و به ده سال زندان محکوم شده است.

آسیه احمدی در زندان وضع حمل کرده است و طبق يك خبر كاملا موثق، مزدوران پلید امنیتی، كودك نوزاد او را در بیض روی پدر و مادرش كك می زده اند تا روحیه آنها را خرد کنند.

این سفاکی و درنده خوئی، كونه ای از شكنجه ها و جنایاتی است كه رژیم خوانخوار شاه بر فرزندان دلاور خلق ما در سیاه - چالهایش اعمال میكند. ناپود باد رژیم فانیست شاه جنایتكار.

بالاخره پس از مدتی كه مزدوران امنیتی كودك را در سیاهچال نگه داشته بودند، او را در حالیکه بدنش كبود و چشم هایش متورم بوده است، به مادر آسیه تحویل داده اند.

* تهران

در نشریه خبری شماره ۱۷ خبر دستگیری خانم کبیری (مادر مجاهدین اسیر، حسن و علیرضا کبیری) و حمیده حیاتی (همسر حسن کبیری و خواهر مجاهد اسیر محمد حیاتی) را درج کرده بودیم.

طبق اطلاعات رسیده، این دو پس از تحمل یکسال بازجویی و شکنجه، به دادرسی ارتش فرستاده شده اند. بیدادگاه ارتش خانم کبیری را به حبس ابد و حمیده حیاتی را به هشت سال زندان، محکوم کرده است.

* تهران

رفیق مجاهد لطف الله مینی با چشمان نابینا و دستاں ارمج قطع شده در زندان کمین دیده شده است که پس از یکسال و چند ماه تحمل شکنجه و سیاهچال، همچنان از روحیه ای رزمند و انقلابی برخوردار است.

« تهران - تظاهرات مادران شهیدان و زندانیان سیاسی ، اردیبهشت ۴۰ »

پس از اعدام ۹ تن از رفقا در زندان ، رفقای زندانی در قصر ، همان شب دست باغتاب غذا زده و نیز تا صبح نمی‌خواهند . از فردای آنروز هر روز گروهی از زندانیان را به کمیته منتقل نموده و تنها تعداد کمی را در قصر باقی می‌گذارند . همچنین بزندانیان انتقالی ملاقات نمی‌دادند .

خانواده های زندانیان ابتدا به مراجع مختلف شکایت می‌برند لیکن طبق معمول ، هر اداره از خود سلب مسئولیت نموده و اداره دیگر را مسئول قلمداد میکند .

روز شنبه ۵۴/۲/۶ ، مادران رفقای زندانی ، برای گرفتن ملاقات و مادران شهیدان برای گرفتن جسد های فرزندانشان ، به دادرسی ارتش می‌روند ، و پس از یک شاجره لفظی خشن با مسولین آنجا ، به ساواک مرکزی در ضرابخانه ، مراجعه می‌کنند . لیکن آنجا نیز پاسخی نیشخوند . بالاخره روز پنجشنبه ۵۴/۲/۱۱ ، در جلوی مجلس اجتماع نموده و با شعارهای " الله اکبر " بسوی بازار حرکت میکنند . آنها در طول راه مردم ، مفازه داران ، رانندگان اتومبیلها ، عابران . . . توضیح میدادند که : " مدت ها است بچه هایمان را ندیده ایم ، بچه هایمان را دسته دسته و بدون دلیل می‌کشند . . . "

مردم بگرد مادران جمع میشوند ، اتومبیل ها نیز متوقف شده و آنها را تماشا می‌کنند و بالاخره وقتی بجلوی مسجد شامی رسند ، پلیس که از ازدحام مردم بهراس افتاده ، بمادران حمله نموده و ۲۰ تن از آنها را دستگیر می‌نماید .

« تهران »

در هیجدهم خرداد ۵۴ ، مادر شهید حکمت جو (که پس از ۱۲ سال زندان ، زیر شکنجه بشهادت رسید) مجلس ختمی در سالگرد شهادت فرزندش ترتیب می‌دهد .

وی ابتدا به ساواک تلفن زده و می‌پرسد : " اجازه می‌دهید برای پسرم مراسم سال بگیرم؟ "

آنها پاسخ مثبت می‌دهند ، اما هنگامیکه قریب ۸-۷ نفر از مادران و خواهران شهیدان و زندانیان در مراسم سالگرد حاضر می‌شوند ، ناگهان پلیس بیرون آورده و همگی آنها را دستگیر و روانه کمیته می‌کند . در کمیته اکثر آنها را پس از یک بازجویی ، در نیمه های شب آزاد میکنند ، لیکن چند تن منجمله دختر آیت الله غفاری شهید را نگه می‌دارند .

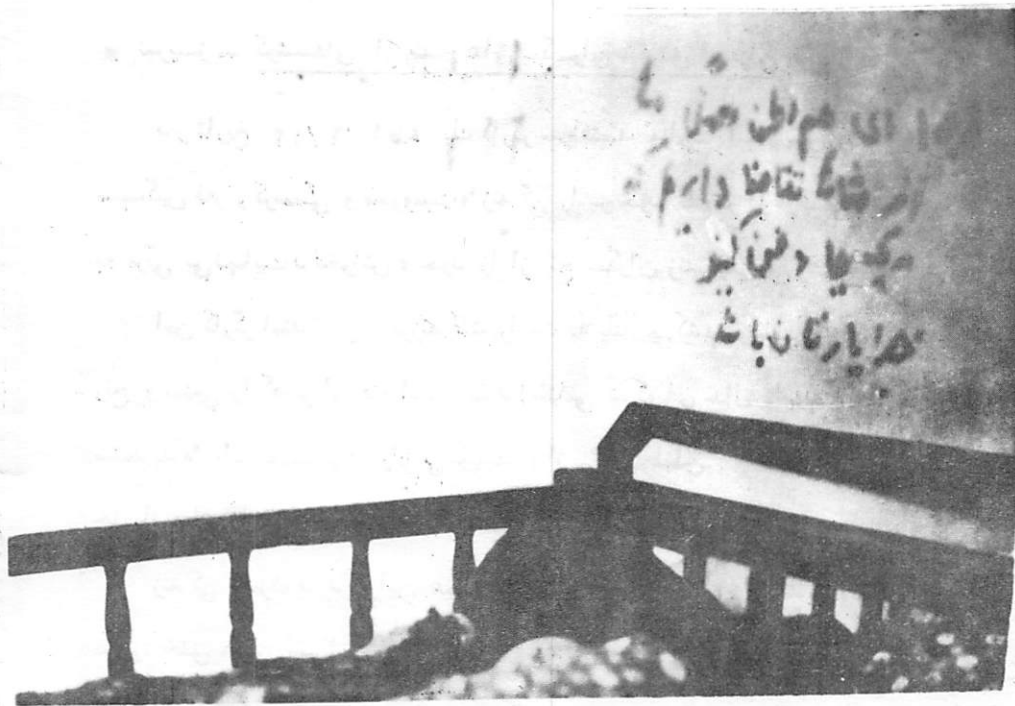
»

* تبریز - کوشه‌های از رنج‌های بیگران خلق ایران

در تاریخ ۱۳/۶/۵۲، يك کارگر شرافتمند وزارت آب و برق که در زیر فشار سهمگین فقر و گرسنگی و محرومیت، زندگی را بر خود تلخ‌تر از مرگ می‌بیند، با پناه بردن به مرگی بی‌نهایت دلخراش، خود را از رنج بیگران زندگیش می‌رهاند.

این کارگر ابتدا زن و فرزندانش را يك به يك می‌کشد و سپس با خون آنها داستان رنج و سستی را که بر او رفته است - داستانی که گویای حال ملیونها هموطن محروم و ستمدیدهٔ ماست - بر دیوار می‌نویسد و از "هموطنان" می‌خواهد که انتقام او و خانواده اش را از رژیم جنایتکار شاه‌خائن بگیرند و آنگاه خودکشی میکند.

زندگی و مرگ دردآور این هموطن ما، که نمونهٔ بارزی از زندگی مرگبار توده‌های محروم خلق ما در زیر استثمار و سرکوب وحشیانهٔ رژیم ضد خلقی ایران می‌باشد، ناغ ننک و نگرانی نازدودنی بر پیشانی تبهکار رژیم مزدور شاه‌خائن می‌زند و چهرهٔ کریه جنایتکارانه اش را، بیش از پیش، افشاء می‌سازد. ما قبلاً (نشریهٔ خبری ۵) خبر این حادثه را منتشر کرده بودیم، اکنون عکس‌هایی از آنچه که این قربانی جنایت‌های رژیم مزدور ایران با خون عزیزانش بر دیوار نوشته بدست ما رسیده است و ما بدلیل اهمیت افشاگرانهٔ این اسناد در روشن ساختن محرومیت‌های خلق و جنایات رژیم، بدرج آنها اقدام می‌کنیم.

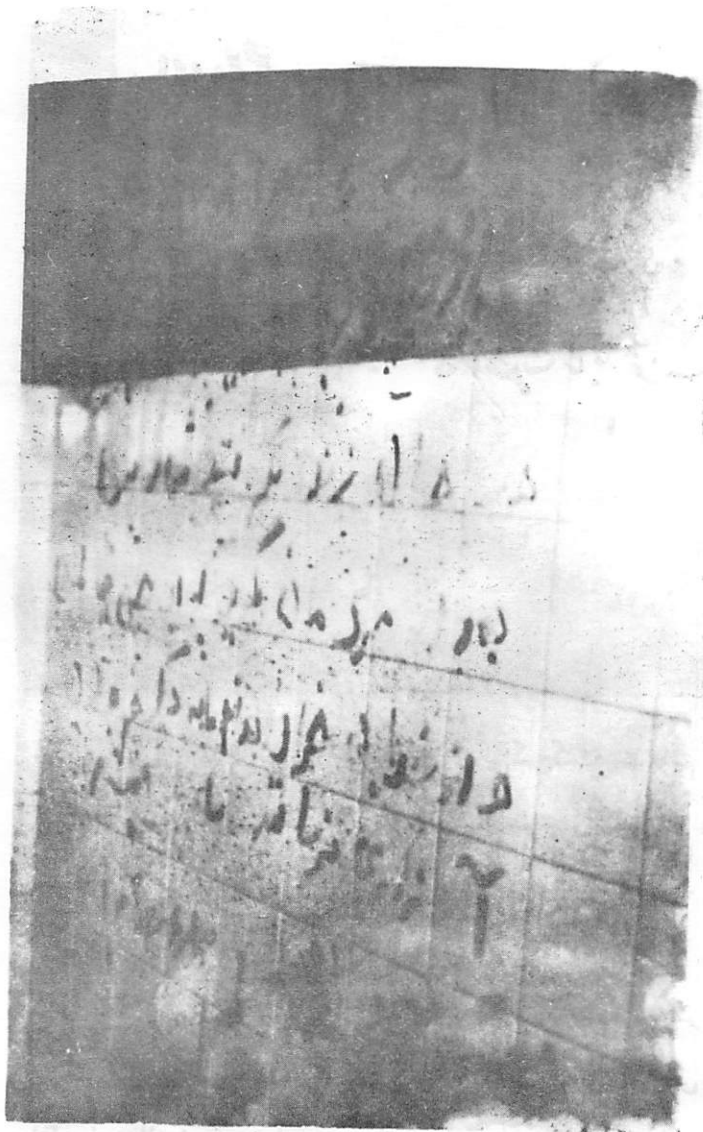


توجه! ای هم وطن همگی ما از شما تقاضا داریم که در یک جا دفن کنید .
خدا یار تان باشد .

لالای بچه هام لای . آرام بخوابید جگر دام بابا جان . . .

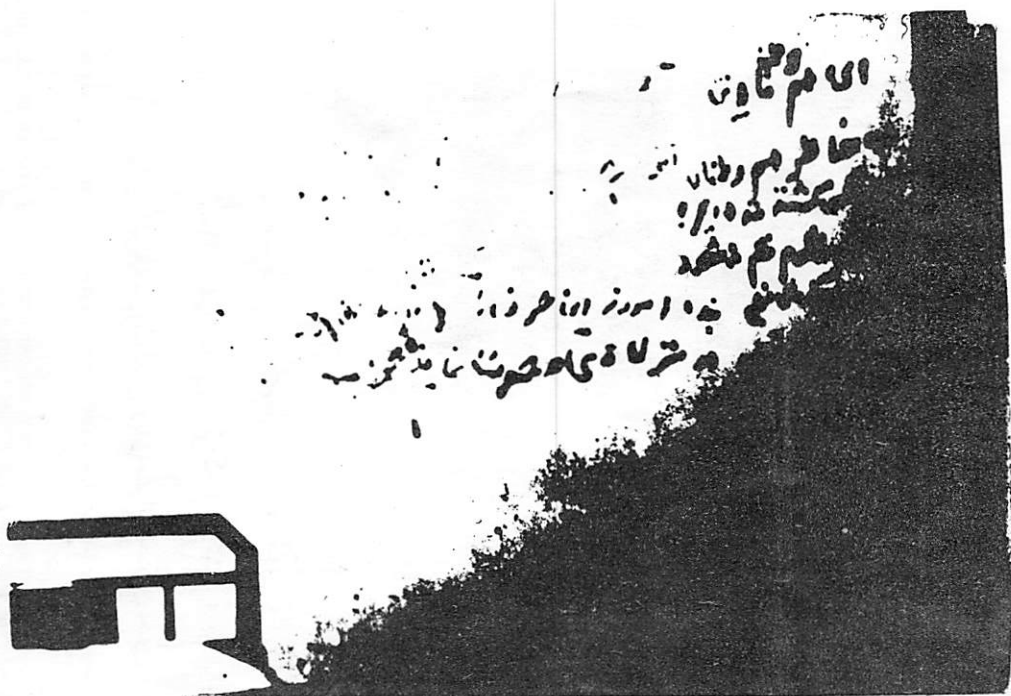
مثل ماما جان بشین شما آمد . . .

۱/۴ صبح - ۱۳/۶/۵۲



» ای هموطن شما را بخدا انتقام خون ما را از ظالمان و ستمگران بگیرید
 در حال زند ما یک (زندگی که ؟) نشد ، بنابراین بعد از مرگمان بگیرید
 که این چنین ظالمان و از خدایی خیران چون ما بد بیکران آزادی نرسانند .

۵۲/۶/۱۳



ای هم وطن ما ه تن بخاطر هموطنان بی کس گشته شد ایم ! که دیگر به مظلوم ظلم نه شود ، مظلومی که مثل من بجز خدا و شما هم وطن کسی را ندارند ، که ظالمان و ستمگران و از خدا بی خبران که همیشه در زیر ظلم و ستم خود قرار داده و مثل این چنین از بین می برند .

توجه ! چرا باید انسان از انسان بترسد ؟ توجه ! مگر نباید انسان از خدا بترسد ؟ امروز این حرف را (۱۴ / ۶ / ۵۲) در منزل آقای وحدت نمایندۀ حضرت آقای آیت اله شریعتمدار زد . . .

✱ تهران

گفته میشود که رژیم از خلیل دزفولی خائن دو بار مصاحبه بعمل آورده است. در نخستین مصاحبه وی پیراهن به تن داشته و عکس آن در روزنامه ها چاپ شده است، لیکن بهنگام پخش مصاحبه از شبکه تلویزیونی، اثری از فیلم آن دیده نمیشود. پلیس گروهی از کارکنان اداره تلویزیون (تقریب ۱۰-۱۵ نفر) را که گمان می برد فیلم مصاحبه را ربوده اند، دستگیر نموده و خلیل را مجدداً برای خیمه شب بازی مصاحبه می آورد.

در این باره بعدی مأمور همراه وی بوده است که شاید بتوان گفت برای کنترل هر یک از کارکنان مربوطه، دو مأمور مسلح گذاشته شده بودند و علاوه بر آن، بیرون اداره تلویزیون نیز بنحویه مأموران مسلح، کنترل میشد است.

✱ تبریز

روز جمعه ۴/۷/۵۴، تعدادی اعلامیه جایی ۲۴ صفحه ای و ۵ صفحه ای از حزب توده، در کوه عون ابن علی تبریز در مسیر کوهنوردان ریخته شده بود.

این اعلامیه ها بیانگر مشی حزب توده بوده و در ضمن آن تاکتیک مبارزاتی سازمانهای انقلابی، مورد انتقاد قرار گرفته بود. کوهنوردان که با این اعلامیه ها برخورد کرده بودند، تعدادی از آنها را به نشانه ابراز نفرت پاره نمودند.

✱ زنجان - تشدید اختناق و سرکوب

بدنبال انفجار چندین بمب در استانداری و دفتر حزب رستاخیز این شهر، بنسبیت بزرگداشت سالروز شهادت مجاهدین شهید (۵ خرداد)، پلیس در خیابانها بحرکت درآمده و با بلندگو اعلام میکند که این انفجارها یک مانور بوده است. در همین حال عده زیادی از افراد مظنون را در منطقه عطیات و افراد سابقه دار و سیاسی شهر را که احتمال می رفت در این جریان دخالت داشته باشند، دستگیر می نماید.

در یک مورد مأموران ساواک وقتی برای بازرسی خانه یکی از دستگیر شدگان بنام ایرج سپهری می روند، در جلوی درب با مادری مواجه می شوند که کتابهای پسرش را در کوفتی ریخته و می خواهد خارج کند.

مأموران می خواهند مادر را دستگیر کنند ولی مردم مداخله نموده و با مأموران به مشاجره می پردازند و در این اثنا، پنبه فروش محل، یک ساواکی منفور بنام سهرابی را کتک می زند. بالاخره مأموران این فرد را دستگیر نموده و در ساواک او را وحشیانه کتک می زنند.

در همین رابطه چند دختر دانش آموز دبیرستان آژم را نیز دستگیر کرده و کتیه دستگیر شدگان را در شهرستانی وحشیانه کتک زده اند. هم چنین پلیس در ردیابی از انقلابیون، از آنجا که دریافته بود باطری بمب ها کربنه نشان بوده است، به کتیه مغازه ها مراجعه و از آنها پرسیده است که: "این ردها چه کسی باطری کربنه نشان خرید؟" و از این نلانش هم نتیجه ای نگرفته است. وحشیکوهای پلیس انعکاس وسیعی در مردم بافته و بر حشم و عرزشان نسبت برزیم و مزد وراثت افزوده است.

از آن پس ماشینهای گشت پلیس مرتباً خیابانها را تحت نظر گرفته و رفت و آمد در کوبه ها نیز بنحویه مأموران منزه سوار کسه لباس شخصی پوشیده اند، کنترل می شود. و شایع است که یک منطقه کارگر نشین را نیز شبانه کتک کرده اند.

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

* سمنان

در سرخه سمنان، گروهی از مردم را در رابطه با مخفی شدن یکی از اهالی محل - رفیق جهاد فرهاد صفا - دستگیر کرده اند.

رفیق فرهاد صفا، فارغ التحصیل دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز و از اعضای سازمان جهادین خلق ایران، در سال ۵۰ با اتهام عضویت در سازمان جهادین دستگیر و به ۳ سال زندان محکوم شد. وی پس از پایان دوره محکومیتش، در اواسط سال ۵۳، آزاد شده و پس از مدت کوتاهی مخفی میشود. بدنبال مخفی شدن او، ساواک دست بدستگیری گروهی از مردم سرخه سمنان - زادگاه رفیق - زده است.

یکی از کسانی که گفته میشود در همین رابطه دستگیر شده است، پیرمرد سالخورده ایست بنام سعادی که پلیس از بازرسی خانه او مقداری کتاب نیز بدست آورده است.

* آپکوه

در اوایل شهریور، فردی بنام جلالی (شاگرد فروش فروشی) و فرد دیگری بنام باقرزاده خجسته (سیاهی) درحالیکه در ساعت ۱۲ نیمه شب مشغول پخش اعلامیه بوده اند، دستگیر می شوند. این دو نفر برای دفاع از خود در صورت درگیری احتمالی، چاقو همراه داشته اند.

در ارتباط با اینها، فرد دیگری بنام کامران نافی (میخ فروش) دستگیر و یک جا سازی اسلحه در شاندریز که متعلق به اینها بوده لو رفته و نیز یکی از اهالی شاندریز دستگیر می شد.

پیام سازمان مجاهدین خلق ایران

رفقا! اعضا، اتحادیه های دانشجویی خارج از کشور:

پاریس - آستردام - کلن - واشنگتن - استراسبورگ - رم - کانادا و

مبارزات شما در حمایت از جنبش خلق ایران و اقدامات اخیرتان در دفاع از فرزندان دلاور خلق که اکنون چند قدمی بیش از جدیه، اعدام فاصله ندارند و میروند که هر دم خون پاکشان، آستان انقلاب خلق ایران را گلگون تر سازد، بویژه اعتماد غذاهای طولانی و فداکارانه شما که هم اکنون در خارج از کشور، در شهرهای پاریس، آستردام، کلن و . . . جریان دارد، نشانه همبستگی انقلابی شما با خلق قهرمان ایران و پیشگامان مسلحش بوده و گواه آنست که فرزندان خلق ما هر کجا که باشند، آنجا را به صحنه مبارزه علیه امپریالیسم و دیکتاتوری شاه جنایتکار تبدیل می کنند.

رفقا!

ما از درون سنگر مبارزه، سلحانه خلق، در ایران، صمیمانه دست شما را می فشاریم و موفقیت اقدامات شما را در دفاع و پشتیبانی از مبارزات خلقمان، آرزو میکنیم.

درود به دانشجویان مبارز خارج از کشور

ستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی خارج از کشور و جنبش سلحانه خلق ایران

درود به زندانیان سیاسی، پاسداران آرمان خلق

سرتگون باد رژیم فاشیستی شاه مـرـزـور.

سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۳۵۴/۱۰/۱۸

* * *

رفقا! هم میهنان مبارز!

از طریق آدرس های زیر می توانید با ما مکاتبه نموده و کمک های مالی خود را بحساب بانکی ما ارسال دارید.

* P.O. BOX 246
CRATER ADEN
People's Democratic Republic of Yemen

— آدرس پستی: کمیته پشتیبانی از خلقهای ایران

* Account n° 59397
Towahi Branch
National Bank of Yemen
P. D. R. Y.

— آدرس بانکی:

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org

تهران - ریگیری و شهادت رفیق جعفر شجاع ساداتی (اواسط اردیبهشت)



رفیق جعفر شجاع ساداتی ، اهل تبریز و از اعضای علنی سازمان مجاهدین خلق ایران بود . وی که در سال دوم دانشگاه صنعتی تهران تحصیل می نمود ، در روز حادثه ، با تفاق رفیق مسئولین از خیابان ظهیرالاسلام عبور میکرد . است . رفقا با مشاهده عناصر مشکوک در سریکی و کوچه و یک مانسین گشتی کمیته ، متوجه مشکوک بودن منطقه شده و قبل از آنکه عناصر پلیس هوشیار شوند و بخواهند تصمیمی بگیرند ، سریعاً به سمت غرب (خیابان سعدی) فرار می کنند و موفق می شوند که با استفاده از شناسائی محل و کوچه ها ، از منطقه دور شوند . پس از دور شدن نسبی از منطقه خطر ، رفقا برای گاستن از خطر ضربه پذیری ، با یکدیگر قرار تعیین کرده و از هم جدا می شوند . نیروهای دشمن که پس از فرار سریع و غافلگیرانه ، رفقا بخود آمده بودند . جریان و مشخصات رفقا را با بی سیم بمهرکزبان گزارش می دهند . این مشخصات از طریق مرکز به کلیه گشتی ها داده شده و اکیب های زیادی در حوال و حوض منطقه بسیج می شوند . رفیق جعفر

در نزدیکی چهارراه سید علی ، هنگامیکه برای تعویض بلوک و دور شدن از منطقه خطر ، قصد عبور از خیابان را داشته ، با یک گشتی کمیته مواجه می شود . گشتی که مشخصات او را از طریق بی سیم دریافت کرده بود ، وی را شناخته و ایست می دهد . اما رفیق که مسلح نبود ، دست ، میکوشد تا با استفاده از تاکتیک های مناسب ، به گریز خویش ادامه دهد . در این حال مزدوران دشمن او را سرگبار مسلسل می بندند . گلوله بستون فقرات رفیق و چند گلوله هم بیای وی اصابت کرده و اسیر می شود .

رفیق جعفر با تمام جراحتش زیر شکنجه قرار میگیرد و عاقبت پس از سه روز تحمل شکنجه و مقاومت ، شهید می شود . رژیم که علیرغم شکنجه های وحشیانه اش موفق بشناختن هویت سازمانی رفیق نشد ، بود ، خواست با مونتاز کردن خیر شهادت وی در کنار خبیر شهادت رفقای فدائی ، جعفری و مومنی ، دست بیکسری تبلیغات علیه انقلابین بزند که : " یک شبکه را کشف کردیم . . . ما نیز با توجه به اینکه رفیق ساداتی علنی بود و هیچ مدرکی دال بر عضویت او در سازمان بدست پلیس نیفتاده بود ، و هم چنین بواسطه عدم اطمینان از شهادت وی ، تا بدست آوردن خبر موثق ، اعلام عضویت او را در سازمان ، بتعمیق انداختیم . اکنون ضمن اعلام این خبر ، یاد رفیق جعفر شجاع ساداتی را گرامی میداریم .

گرامی باد یاد او و یاد همه شهیدان بخون خفته خلق .

« دفاع از محکومین به اعدام : اتحادیه های دانشجویی خارج از کشور ، برای دفاع از انقلابیونی که اخیراً در بیداد گاههای رژیم به اعدام محکوم شده اند ، در شهرهای پاریس ، آمستردام ، استراسبورگ ، رم ، کن ، مونزال ، لنس (سوئد) و چندین شهر آمریکا ، دست به اقدامات وسیع افشاگرانه و اعتصاب غذاهای طولانی زده اند . این اقدامات انعکاس وسیعی در مطبوعات جهان یافته است . سازمان مجاهدین خلق ایران در این رابطه پیامی خطاب به اتحادیه های دانشجویی وارد در

اعتصاب فرستاد . متن پیام بدین شرح است (رجوع شود به صفحه قبل) :
از تقی استاد سازمان پیچکار در راه آزادی طبقه کارگر